



مسابقه بزرگ

۱۴۰۰

بصیرت در انتخابات

پاسخ به ۲۲ سوال
در باب انتخابات

مسابقه بزرگ بصیرت در انتخابات ۱۴۰۰

جمعی از نویسندگان

صفحه آرا: محمد صالح نادری

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مرکز چاپ حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه

✖ چاپ اول: اردیبهشت ۱۴۰۰ ✖ شمارگان: ۱۶۰۰۰۰ نسخه

انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ را به دلایل مختلف می‌توان یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی از ابتدا تاکنون ارزیابی کرد. انتخابات ۱۴۰۰ در شرایطی برگزار می‌شود که، از یک سو نشانه‌های افول قدرت شیطان بزرگ آمریکای جهان‌خوار بیش از پیش آشکار شده، و از سوی دیگر مردم عزیزمان به دلیل مشکلات ناشی از تحریم‌های خارجی و سوءمدیریت‌های داخلی به شدت از وضع موجود ناراضی و گله‌مند هستند.

در این شرایط سخت و دشوار، یک انتخابات پرشور با مشارکت حداکثری و انتخاب اصلح از سوی مردم، تنها راه علاج دردهای مزمن و مشکلات پیچیده کشور است. پاسداران، بسیجیان، پیشکسوتان عرصه جهاد و شهادت و خانواده‌های محترم آنان، می‌توانند در پرتو بصیرت انقلابی، ضمن حضور پر شور و از سر آگاهی در پای صندوق‌های رای و انتخاب فرد اصلح، دیگران (اقوام و دوستان) را هم به شرکت در انتخابات از باب توأسی به حق، ترغیب نمایند. نیازی به توضیح نیست در شرایطی که دشمنان و جریان ضدانقلاب، از طریق انتخابات به دنبال ضربه زدن به انقلاب اسلامی و کشورمان می‌باشند، ما باید به حکم و وظیفه در وسط این میدان با مجاهدت شبانه‌روزی، نقشه‌های دشمنان را خنثی کنیم.

متن حاضر با عنوان «بصیرت در انتخابات ۱۴۰۰» به ۲۲ سوال مهم و پرتکرار در جامعه درباره انتخابات پاسخ می‌دهد. این متن که از سوی همکاران در معاونت سیاسی سپاه تهیه شده، امید است برای شما برادر بزرگوار و خواهر گرامی در انجام این جهاد مقدس یاری کننده و مفید باشد.

معاون سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

دکتر یدالله جوانی

سوال اول: چه جور انتخاباتی می‌تواند حال مردم را خوب و امید به حل

مشکلات امروز جامعه را در دل‌ها زیاد نماید؟

انتخاباتی می‌تواند حال مردم را خوب و امید به حل مشکلات را زیاد کند که هدف و رویکرد اصلی آن «تغییر وضع موجود» باشد. امروز در جامعه ایران اگر از مردم این سوال پرسیده شود که آیا موافق استمرار وضع موجود یا مشابه آن در مسائل اجرایی و مدیریتی برای ۴ سال دیگر هستید یا نه؟ اکثریت قریب به اتفاق خواهند گفت به هیچ وجه راضی به امتداد و تداوم این شرایط نیستند. اما این نظر به تنهایی کافی نیست و باید با حضور در پای صندوق‌های رای «تغییر سبک مدیریت اجرایی» را انتخاب کرد. امروز کسی نمی‌تواند انبوه و انباشت مشکلات ریز و درشت مردم در حوزه‌های مختلف را که عمدتاً ناشی از سوءمدیریت‌ها و ضعف مدیریت‌ها می‌باشد را انکار نماید. همین انباشت مشکلات مطالبه و انگیزه ملی برای تغییر وضعیت را ایجاد کرده است. حال نکته مهم بعدی این است که بهترین و ثمربخش‌ترین راه برای ایجاد تغییر کدام است؟ آیا قهر با صندوق‌های رای راه تغییر است؟ آیا رفتن به سمت نسخه‌های پیچیده شده از بیرون مرزها برای کشور نظیر نافرمانی مدنی، اعتراضات کف خیابانی و ایجاد اغتشاش و برهم زدن امنیت و آرامش جامعه، راهی است که ما را به تغییر می‌رساند؟ راه مناسب و موثر تغییر به درستی کدام است؟

اگر گفتمان اصلی حاکم بر رفتار سیاسی مردم و جامعه مقوله «تغییر» قرار گرفت، بلافاصله مسالمت‌آمیزترین راه برای تغییر یعنی انتخابات و صندوق‌های رای نیز به اذهان

متبادر می‌شود؛ زیرا هم هزینه تغییر در بستر انتخابات کمتر است و هم اثربخشی و امید به تغییر از طریق صندوق‌های رای در نظام جمهوری اسلامی که در مدت ۴۲ سال خود نشان داده است هر رای مردم را امانتدارانه بازخوانی و تعیین‌کننده می‌داند، بیشتر است. البته در این مقوله با آسیب‌ها و مخاطراتی مواجه هستیم و آن، طمع‌ورزی جریان‌ات و افرادی است که می‌خواهند از بستر رای به تغییر، خودشان را به مردم عرضه و غالب نمایند. لذا برای رسیدن به این هدف اساساً هم به تطهیر و درستی وسیله و ابزار توجهی ندارند و حاضرند با رقیب‌هراسی، تخریب شخصیت، ترور بنیان‌های ایدئولوژیک نظام اسلامی مورد توجه مردم، دروغ‌پردازی و اغوای رسانه‌ای، پول‌پاشی و خرید رای، فریب و امیدوارسازی دروغین به راهی که آزمون خودش را پس داده و ده‌ها راه درست و نادرست دیگر ره‌زنی رای مردم برای ایجاد تغییر نمایند. باید مراقب کلاهی بود که ممکن است از مسیر تغییر ایجاد شود. آنچه مهم است مردم باید به عنوان بازیگر اصلی صحنه تغییر به قدرت دولت ساز و شوراساز و مجلس‌ساز رای خود باور داشته باشند و آن را به ثمن بخش و قیمت مفت از تاثیر‌گذاری نیاندازند.

مقام معظم رهبری تنها راه یا مهم‌ترین راه‌حل مشکلات کشور را در انتخابات دانسته و می‌فرمایند: «علاج دردهای مزمن کشور، در پرتو پرشور بودن انتخابات و حضور عمومی مردم و بعد انتخاب اصلح، انتخاب شخصیت مناسب در انتخابات ریاست جمهوری است.»

سوال دوم: آیا شرکت در انتخابات واجب شرعی است یا حق شهروندی؟ اگر

شرکت در انتخابات تکلیف است، الزامات آن چیست؟

از منظر آیات قرآن و روایات اسلامی و گفتن امام راحل و رهبری معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) انسان موجودی است که سرنوشت فردی و اجتماعی خود را رقم می‌زند. در آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد به یک اصل مهم اشاره می‌کند که خداوند سرنوشت اجتماعی و فردی انسان‌ها را به عنوان یک امتیاز و حق بر عهده آنان گذاشته است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ یعنی خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند!».

انتخابات، یعنی مشارکت در تعیین سرنوشت جامعه و لذا از این منظر، **شرکت در**

انتخابات، حقی است که خداوند به انسان عطاء نموده است.

«حق» در این گونه امور، یعنی امتیازی که به فردی داده می‌شود و در مقابل آن، تکلیفی برعهده آن فرد قرار می‌گیرد. در واقع، شرکت در انتخابات هم حق انسان است و هم تکلیف است که با انجام آن تکلیف، آن حق محقق می‌شود. حق و تکلیف بر خلاف تلاش و تلقی برخی کج‌اندیشان در مقابل هم تعریف نمی‌شوند. بنابراین شرکت در انتخابات واجب شرعی است برای استیفاء حقی که خداوند برای انسان قائل شده است. در حقیقت، تکلیف در این مسئله مهم، راه تحقق حق و امتیازی است که انسان دارد، یعنی تعیین سرنوشت اجتماعی. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «باید اختیار دست مردم باشد. این یک مسئله عقلی است. هر عاقلی این مطلب را قبول دارد که مقدرات هر کسی باید در دست خودش باشد». (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۹۴). امام خمینی (ره) در مورد

واجب شرعی بودن شرکت در انتخابات، یعنی در باره بُعد تکلیفی آن می‌فرماید: «امروز شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نه فقط یک وظیفه اجتماعی و ملی است، بلکه یک وظیفه شرعی اسلامی و الهی است که شکست در آن شکست جمهوری اسلامی است که حفظ آن بر جمیع مردم از بزرگترین واجبات و فرائض است.»

رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در این باره می‌فرماید: «هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخابات صحیح و آزادانه قانون‌گذارشان را در قوه مقننه معین کنند. مجریان خودشان را با تربیتی که در قانون معین شده است معین کنند. این حق مردم است و متعلق به آنهاست. اما تکلیف هم هست. این طور نیست که یکی بگوید من نمی‌خواهم از این حقم استفاده کنم، نه سرنوشت نظام بسته‌ی به احقاق و استفاده از این حق است، این تکلیف است، باید همه شرکت کنند». در بیان دیگری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «شرکت در انتخابات هم حق است و هم تکلیف مردم است. مردم حق دارند که سرنوشت کشور را بدست خودشان رقم بزنند». (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۴/۰۳/۱۴)

بر این اساس، شرکت در انتخابات واجب شرعی است و این تکلیف الزاماتی دارد؛ اولاً، ما در انتخاب آزاد هستیم اما باید پاسخگویی انتخاب خود باشیم. ثانیاً، بدانیم که هر کسی را برای مناصب مهم انتخاب کردیم در مواضع و اقدامات او شریک هستیم. درک و فهم این الزامات دقت و مسئولیت‌پذیری ما را در نوع انتخاب‌مان ارتقا می‌دهد. با این نگاه، طبیعی است که عدم شرکت در انتخابات با هر بهانه و توجیهی، گناه محسوب می‌شود و

فرد با عدم شرکت در انتخابات خود را از تکلیف و حق مشارکت در تعیین سرنوشت جامعه محروم کرده و مرتکب خطایی راهبردی شده است.

همچنین لازم است به این نکته اشاره شود از آنجا که حفظ نظام اسلامی از سوی امامین انقلاب جزء اعظم واجبات و فرائض قلمداد شده است، عدم شرکت در انتخابات به بهانه‌های مختلف، ضمن این که ترک واجب الهی است، ممکن است مشروعیت و مقبولیت نظام اسلامی را نیز به مخاطره بیندازد و مستوجب عقاب اخروی شود. حتی برای آن دسته از افرادی که تقیدات شرعی ندارند، از آنجا که نیامدن پای صندوق‌های رای باعث طمع‌ورزی دشمنان قسم خورده ملت ایران شده و امنیت و رفاه اجتماعی آنها را با چالش و خطر مواجه می‌کند، تخطی از انجام وظیفه و مسئولیت ملی قلمداد می‌شود.

سوال سوم: چگونه در انتخابات می‌توانیم عامل به امر مهم «تواصی به حق» باشیم؟

تواصی به حق در آیات قرآن به عنوان یکی از عوامل مهم رسیدن به سعادت و خوشبختی معرفی شده است، به صورتی که اگر انسان اهل تواصی به حق نباشد، دچار خسران و زیان در دنیا و آخرت می‌شود. به این امر مهم خداوند در «سوره عصر» چنین تاکید می‌فرماید: «والعصر (۱) ان الانسان لفی خسر (۲) الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر (۳)»؛ تواصی به حق، یعنی خودسازی فردی کافی نیست، بلکه باید به دیگران هم توجه شود تا آنها نیز در مسیر حق قرار گیرند. تواصی به حق، یعنی انسان برای هدایت دیگران، برای رشد فکری و برای بصیرت دیگران و برای رفع موانع هدایت از مسیر دیگران تلاش کند. تواصی به حق، یعنی در جامعه ایمانی انسان‌ها مکلف هستند به صورت شبکه‌ای،

منسجم و هدفمند به یاری همدیگر بشتابند و جامعه را به حق و حرکت در مسیر حق سفارش کنند.

انتخابات در جمهوری اسلامی یکی از صحنه‌های توأسی به حق می‌باشد. **رهبر معظم انقلاب حضور در پای صندوق‌های رای و توصیه دیگران به انجام این حق و تکلیف الهی را مصداق توأسی به حق می‌دانند.** همگان باید در این عرصه با انگیزه الهی و پرتلاش ظاهر شوند؛ زیرا اصل شرکت در انتخابات یک حق است و دعوت مردم مخصوصاً افرادی که دچار شک و تردید هستند، از مصادیق توأسی به حق محسوب می‌شود؛ زیرا عدم شرکت در انتخابات آثار زیان‌باری از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی برای جامعه دارد و کسانی که مردم را به عدم شرکت دعوت می‌کنند، چه با گفتار و چه با عملکرد مدیریتی، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، در واقع توأسی به باطل می‌کنند.

بنابراین، نیروهای انقلابی به صورت هدفمند، عالمانه و هوشمند، لازم است مردم را به شرکت در انتخابات تشویق نمایند و آثار و برکات این حضور را برای جامعه مخصوصاً کسانی که دچار تردید هستند، تبیین کنند. از این منظر، نهضت‌های روشنگری و هدایت سیاسی در ایام انتخابات، چون مقدمه انجام یک واجب شرعی است، عملی واجب بوده و از بارزترین مصادیق توأسی به حق محسوب می‌شود. باید به سراغ مردم رفت، با آنها گفتگو کرد، به سوالات آنها پاسخ داد، شبهات را برطرف نمود، دل‌ها را محکم کرد و نقشه‌های دشمنان را خنثی نمود. این چنین است که انسان مطمئن می‌شود در عرصه مهم انتخابات عامل به توأسی به حق می‌باشد.

سوال چهارم: چگونه می‌توان یک فرد ناراضی از وضع موجود را به حضور در پای صندوق رأی ترغیب کرد؟

در مواجهه با این قبیل افراد ابتدا باید بررسی شود در ذهن آنها چه عامل یا عواملی مانع از حضور و مشارکت در انتخابات شده است. معمولاً افراد یا از سر بی‌اعتمادی به دولت و سیستم حکومتی مشارکت نمی‌کنند یا از روی ناراضی اجتماعی و انتظاراتی که داشته‌اند، اما در انتخابات‌های پیشین برآورده نشده است، یا این که اساساً، نسبت به اهمیت و ضرورت انتخابات ناآگاه هستند. طبیعی است که باید با هر سنخ از این افراد رفتار تبیینی و عملی متناسب داشت. البته در حوزه جلب رضایت عمومی از عملکرد ساختارها و کارگزاران لازم است بخش‌های مختلف وارد عمل شوند و اقداماتی در راستای حل مشکلات و جلب رضایت‌مندی مردم انجام دهند.

اما برای کسانی که ناآگاه از وضعیت و اهمیت انتخابات در تغییر وضعیت موجود هستند یا نسبت به انتخابات و اثربخشی آن و حتی کفایت دولت و نظام سیاسی در ساماندهی امور دچار تردید و شبهه شده‌اند، باید سعی شود تا وظیفه ملی و شرعی بودن شرکت در انتخابات برای آنها تبیین شود. ثانیاً مزایا و کارکردهای حضور حداکثری در انتخابات و ثالثاً تبعات و خسارت‌های عدم مشارکت در انتخابات مورد توجه قرار گیرد. واقعیت آن است که هرگز ضعف‌ها و نارسایی‌های موجود نمی‌تواند سبب غفلت از پرداختن به مصالح کلان کشور و منافع عامه شود. بر این اساس، درست است که در جامعه مشکلات و تبعیض‌هایی وجود دارد، اما این نارسایی‌ها نباید موجب غفلت از حضور در انتخابات شود. باید این موضوع برای مردم تبیین شود که اتفاقاً با شرکت در انتخابات و انتخاب فرد اصلح و کارآمد و

همچنین با مطالبه‌ی عمومی حل مشکلاتی چون مبارزه با تبعیض، فساد، ناکارآمدی و... از کاندیدها، می‌توان امیدوار بود که گام‌هایی برای رفع این نقیصه‌ها (ناکارآمدی‌ها و ضعف عملکردها) برداشته شود، اما با عدم حضور در انتخابات و نرساندن مطالبه‌ی خود به گوش مسئولان نمی‌توان امیدوار بود که برای تحقق مطالبات ما قدمی برداشته شود. شرکت نکردن در انتخابات به صورت ناآگاهانه، نتیجه‌ای جز استمرار وضع موجود ندارد.

علاوه بر این، با توجه به نقشی که انتخابات می‌تواند در افزایش پرستیژ بین‌المللی کشور و نظام جمهوری اسلامی داشته باشد، باید مزایای مشارکت و خسارت‌های عدم شرکت در انتخابات برای این قبیل افراد تبیین شود. از جمله اینکه عدم شرکت در انتخابات ممکن است باعث تنگ‌تر شدن حلقه‌ی تحریم‌های ضدایرانی و در مرحله بعد بروز مخاطراتی برای امنیت ملی کشور شود. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم تبریز به مناسبت ۲۹ بهمن در سال گذشته؛ «مشارکت مردم در انتخابات را موجب خنثی‌سازی طراحی‌های دشمنان انقلاب و تضمین امنیت ملی کشور» بیان کردند.

همچنین ترسیم صحیح وضعیت امروز ما در جهان و اشاره درست به جبهه‌بندی نظام سلطه و استکبار با تمام توان در برابر جبهه‌ی انقلاب اسلامی و مقاومت، می‌تواند در پرتو آگاهی‌بخش به مردم نسبت به توطئه بزرگی که دشمن در پیامد عدم مشارکت و یا کاهش مشارکت برای ملت ایران تدارک دیده، مشارکت آفرین باشد. امروز **دو جبهه رویاروی هم** قرار دارد؛ یکی، **جبهه متحد دشمنان انقلاب اسلامی** اعم از سران و سیاست‌مداران نظام سلطه جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و معاندان و معارضان نظام اسلامی که کارنامه سیاهی از تحمیل جنگ تا ترورهای وحشیانه و تحریم‌های ظالمانه و ضد انسانی علیه ملت ایران دارند تا عوامل خودفروخته و مزدور آنان در امپریالیسم رسانه‌ای و تروریسم فرهنگی که یک صدا

ملت ایران را به عدم مشارکت فرامی‌خوانند. دیگری، **جبهه وفاداران به انقلاب اسلامی** است که با وجود زخم‌ها و آسیب‌هایی که از عملکرد لیبرال‌ها و غرب‌زده‌ها در امور کشور بر پیکر دارند، همچون سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و دیگر دلاورمردان، همچنان راه عزت اسلامی و پیشرفت انقلاب را در ولایت‌مداری و پیروی از رهبر فرزانه انقلاب می‌دانند. مردم همیشه در همه انتخابات‌ها با بصیرت مثال‌زدنی تلاش کرده‌اند در جبهه دشمن ایفای نقش نکنند و این بار هم ان‌شاءالله همین مسیر را طی خواهند کرد و صحنه‌های با شکوهی از انسجام و وحدت ملی را به نمایش خواهند گذاشت.

سوال پنجم: چرا مشارکت حداکثری؟ آیا نمی‌شود صرفاً بر روی انتخاب گزینه اصلاح تمرکز کرد و انتخابات را به نحوی برگزار نمود که فردی شایسته مدیریت دولت را به دست گیرد؟

جمهوری اسلامی، نظامی مردم‌سالار است که در آن مردم رکن اصلی تشکیل حکومت به حساب می‌آیند. این نظام با حضور مردم در صحنه اداره کشور هویت می‌یابد. نظام اسلامی به هر انتخاباتی به عنوان فرصتی برای تقویت ارکان نظام مردم‌سالار دینی نگاه کرده و خواهان آن است که انتخابات به شایسته‌ترین حالت برگزار شود. در واقع، با برگزاری انتخابات مطلوب نظام اسلامی است که حیات مردم‌سالاری دینی قوت می‌گیرد. بدون شک دو رکن اساسی برای تحقق انتخابات تراز انقلاب اسلامی لازم است؛ یکی، مشارکت پرشور با حضور اکثریت ملت ایران در پای صندوق‌های رای، و دیگری، به قدرت رسیدن نامزد شایسته و اصلاح. انتخابات مطلوب با تحقق هر دوی این‌ها معنا می‌یابد. نظام

اسلامی باید کاری کند که هر دوی این‌ها محقق شود. در تقابل هم قرار دادن این دو یا یکی را قربانی دیگری کردن خطای فاحشی است که از آن باید دوری کرد. نکته قابل ملاحظه دیگر آن که باید توجه داشته باشیم، تحقق مشارکت حداکثری با دعوت و تشویق همه ملت به حضور در پای صندوق رای صورت می‌گیرد که در این میان نظام اسلامی، مسئولین کشور و آگاهان جامعه باید برای تحقق آن تلاش نمایند.

سوال ششم: مهم‌ترین ویژگی‌های فرد اصلح برای ریاست جمهوری کدام است؟

تلاش برای انتخاب اصلح به عنوان رئیس جمهور نیز وظیفه مردم است که باید این امر تحت نقش آفرینی موثر هادیان و راهنمایان جامعه محقق شود. رسانه‌ها، نخبگان و آگاهان جامعه هستند که باید بتوانند کاری کنند تا مردم از میان صالحان مورد تایید شورای نگهبان به گزینه اصلح رای دهند. در بیانات نوروزی رهبر معظم انقلاب نیز در کنار تاکید بر حضور و مشارکت گسترده مردم، به انتخاب آگاهانه گزینه اصلح تاکید شده است. بی‌تردید، گزینه اصلح طبق شاخص‌های اعلامی رهبر معظم انقلاب فردی است مانند شهید سلیمانی که واجد روحیه انقلابی و جهادی بوده و برای خدمت به مردم همیشه در میدان باشد و خود را در امتداد ولایت تعریف نماید. با توجه به بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی مهم‌ترین ویژگی فرد اصلح، عبارتند از:

۱- **ولایت‌مداری:** رئیس‌جمهور اصلح کسی است که گفتمانش در امتداد گفتمان ولایت و رهبری حکیم انقلاب اسلامی باشد.

- ۲- **مدیریت قوی:** کسی برای ریاست جمهوری اصلح است که دارای کفایت مدیریت و مدیریت کارآمد باشد.
- ۳- **ایمان قوی:** فردی برای ریاست جمهوری اصلح است که دارای ایمان قوی باشد، در غیر این صورت، به کشور و منافع ملی خسارت وارد می‌کند.
- ۴- **عدالتخواه و فسادستیز:** از ویژگی‌های مهم فرد اصلح برای ریاست جمهوری این است که دنبال اجرای عدالت باشد و اهل مبارزه جدی با فساد در هر شکل و نوع آن باشد.
- ۵- **عملکرد انقلابی و جهادی:** رئیس جمهور اصلح کسی است که دارای سابقه عملکرد انقلابی و جهادی باشد.
- ۶- **معتقد به توانمندی‌های کشور:** کسی اصلح است که توانمندی‌های داخل کشور را بشناسد و به آن اعتقاد داشته باشد.
- ۷- **معتقد به توانمندی جوانان:** فردی برای ریاست جمهوری اصلح است که جوانان را به عنوان پیشران کشور قبول داشته باشد و از ظرفیت آنان استفاده کند.

سوال مهم: چرا شورای نگهبان فقط افراد صدرصد انقلابی را تایید صلاحیت

نمی‌کند تا آینده کشور و مسیر درست حرکت نظام اسلامی تضمین شود؟

برای پاسخ به این سوال به چند نکته باید توجه نمود:

- ۱- ابتدا باید توجه نمود که مسئله صلاحیت‌ها را می‌توان دال مرکزی توزیع قدرت در نظام سیاسی در اسلام دانست. در نظام اسلامی هیچ مسند قدرتی نیست که صاحب آن بدون داشتن صلاحیت، مشروعیت تکیه زدن بر آن را داشته باشد. هر فرد در نظام اسلامی اگر به

اندازه ذره‌ای از قدرت برخوردار باشد، باید به همان اندازه از صلاحیت برخوردار باشد، و گرنه حق اعمال آن قدرت را ندارد و قدرت مذکور نامشروع خواهد بود. به واقع، صلاحیت رمز مشروعیت به حساب می‌آید و این منطبق جاری در نظام اسلامی است که حاصل آن شایسته‌سالاری و تکیه زدن صاحبان صلاحیت بر مسند قدرت است.

۲- در نظام اسلامی برای تحقق شایسته‌سالاری، فرایندی دومارحله‌ای طرح‌ریزی شده است. شورای نگهبان نهاد مرجعی است که مطابق با قانون اساسی بررسی صلاحیت‌ها در انتخابات مختلف کشور را بر عهده دارد. شورای نگهبان با استعلام از نهادهای قانونی اطلاعات، اعم از دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، صلاحیت حداقلی نامزدها را مطابق با قانون نوشته‌شده کشور بررسی می‌کند و صالحان را به جامعه معرفی می‌کند. اما گام دوم احراز صلاحیت‌ها که از آن می‌توان به عنوان احراز صلاحیت حداکثری یاد کرد، بر عهده مردم گذاشته شده است. آنچه از آن با عنوان انتخاب اصلح یاد شده است، به واقع مرحله تکمیلی و پایانی احراز صلاحیت‌هاست که تشخیص و انتخاب آن به مردم واگذار شده است نه مسئولان و نخبگان.

۳- اگر قرار باشد که اصلح را نیز شورای نگهبان معرفی کند، دیگر مفهوم انتخاب مردمی رنگ خواهد باخت! و نظام مردم سالاری دینی به نظامی نخبه‌سالار و دیکتاتوری تبدیل خواهد شد که رای مردم در آن جایی ندارد و نخبگان و اقلیت حاکم به جای مردم تصمیم می‌گیرند!

۴- در میان نامزدهای انتخاباتی باید تنوعی از گرایش‌ها و سلیقه‌های مختلف نیز باشد تا مردم با سلیقه‌های مختلف گزینه‌ای را برای انتخاب داشته باشند، و گرنه رغبتی برای شرکت در انتخابات نخواهند داشت و حاصل آن کاهش مشارکت خواهد بود که در تعارض با سیاست مشارکت حداکثری نظام اسلامی است.

۵- توجه داشته باشیم که مفهوم انقلابی‌گری مفهومی تشکیکی است. بدین معنا که همه از صفت انقلابی‌گری به یک اندازه برخوردار نیستند. اما کم‌رنگی در انقلابی‌گری به معنای خروج از دایره آن نیست. توضیحات رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره روشن‌گر است:

«انقلابی‌گری مقول به تشکیک است. ممکن است یک نفر نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی بهتر حرکت کند، یک نفر به آن خوبی حرکت نکند، اما در همان راه دارد حرکت می‌کند. اینکه ما هر کسی خوب حرکت نکرد، یا به‌طور کامل حرکت نکرد را متهم نکنیم به غیرانقلابی یا ضدانقلابی این هم خطا است؛ نه، ممکن است یک نفری صد درجه میزان حرکت او ارزش دارد، یک نفری کمتر ارزش دارد، یک نفری از او کمتر ارزش دارد، اما همه در این راه حرکت می‌کنند. مهم این است که آن شاخص‌ها تطبیق بکنند.» (۱۳۹۵/۳/۱۴)

سوال هشتم: مبنای شورای نگهبان برای احراز و اعلام صلاحیت افراد واجد شرایط ریاست‌جمهوری چیست؟ این شورا برای انجام رسالت مهم خود در جلوگیری از مسئولیت افراد بدون صلاحیت چه باید بکند؟

قانون اساسی وظایف متعددی را برای شورای نگهبان برشمرده است که از بین آنها، سه وظیفه مهم «نظارت بر قانونگذاری»، «تفسیر قانون اساسی» و «نظارت بر انتخابات» دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. بی‌شک، هر چه به انجام متقن و مستحکم این ماموریت‌ها و وظایف توجه شود، خروجی فیلتر شورای نگهبان مطلوب‌تر خواهد بود. مثلاً درباره نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری از حیث اهمیت راهبردی و پر مسئولیتی این قوه، بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست‌جمهوری را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است.

منطقاً، این ارزیابی از جنس اطلاع‌یابی و به اصطلاح استطلاعی نخواهد بود بلکه طبق استفساریه از اعضای شورای نگهبان، این نظارت از جنس استصوابی و دارای ضمانت اجرایی در خصوص احراز صلاحیت‌ها و شایستگی‌هاست. به تعبیر مرحوم آیت‌الله مومن که بیش از ۳۰ سال عضو فقهای این شورا بود، «**تنها نظارت عقلایی، نظارت استصوابی است**» و الا نظارت صرف برای اطلاع از روندها و احوالات افراد، کاری بیهوده خواهد بود. به رغم حجم‌های سیاسی به شورای نگهبان در این باره، اعضای آن باید با تمام قوت و دانش و تجربه این رسالت را انجام دهند و باز به تعبیر آن مرحوم، «**شورای نگهبان به مثابه صافی و فیلتر نظام اسلامی**» نگذارد افراد نامناسب برای مناصب راهبردی نظام وارد مسئولیت شوند. شورای نگهبان حکم صافی و گلوگاه ورودی برای مسئولیت‌های کلیدی و راهبردی در جمهوری اسلامی را دارد. مطمئناً در انجام وظیفه خود باید بیشترین دقت، حساسیت، مسئولیت‌پذیری و خداترسی را داشته باشند و تنها **عمل به مر قانون** را وجه همت خود قرار دهند.

سوال نهم: یکی از سوالات مهم این روزها، سوال از نسبت سپاه با انتخابات ریاست جمهوری است. سیاست سپاه مبنی بر عدم ورود مصداقی در انتخابات، در عین ترغیب به مشارکت حداکثری و ضرورت انتخاب اصلح چگونه محقق می‌شود؟

سپاه یک نهاد انقلابی است که اقدام و عمل و رفتار سیاسی دارد، اما نه مثل یک حزب سیاسی. سپاه، باندها و گروه‌های سیاسی نیست و تابع احزاب و گروه‌های سیاسی هم نیست و اجازه

هم نمی‌دهد احزاب و گروه‌های سیاسی بخواهند در درون سپاه ورود کنند. سپاه در ورود به حوزه سیاسی قلمرو مجاز و ممنوعه دارد، یعنی مجاز است کارها و اقداماتی را انجام دهد و همچنین از انجام یکسری کارها ممنوع شده است. این قلمرو مجاز و ممنوعه در اسنادی همانند قانون اساسی، اساسنامه، آئین‌نامه انضباطی و دکترین رفتار سیاسی سپاه مشخص شده است. سند بالادستی «دکترین رفتار سیاسی سپاه» با ۱۲ اصل و تعدادی شاخص‌های تجویزی (بایدها) و تحذیری (نبایدها)، که مبتنی بر مفاد قانون اساسی، اساسنامه سپاه، فرامین امام و رهبری تدوین و از سوی نماینده محترم ولی فقیه و فرمانده محترم کل سپاه ابلاغ شده است، تلاش کرده با روشن کردن این نسبت، نه بی‌تفاوت به بایدها از جمله تلاش برای مشارکت‌آفرینی حداکثری و انتخاب اصلح باشد و نه اذن ورود مصداقی کارکنان و سازمان سپاه در انتخابات را مجاز می‌شمارد. علاوه بر این، برای انتخابات ۱۴۰۰، سندی در آبان و بهمن ماه سال گذشته به ترتیب با امضاهای نماینده محترم ولی فقیه و فرماندهی محترم کل سپاه به همه رده‌های سپاه و بسیج ابلاغ شده است که پنج هدف راهبردی را مشخص کرده و کنش سپاه در انتخابات را معطوف به تحقق این اهداف پنج‌گانه کرده است.

در راس این اهداف، زمینه‌سازی، بسترسازی و کمک به مشارکت حداکثری مردم در انتخابات و تبیین معیارها و ملاک‌های انتخاب اصلح مطابق با بیانات و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب است. بنابراین، سپاه در قبال انتخابات بی‌تفاوت نیست اما یک حزب سیاسی هم نیست که رفتار سیاسی حزبی داشته باشد؛ بلکه در راستای عمل به دکترین رفتار سیاسی، دنبال تحقق انتخاباتی دشمن‌شکن، امن، با مشارکت بالا و با رویکرد صیانت از هویت سازمانی سپاه، از ورود مصداقی به انتخابات و هزینه کردن سپاه برای رای‌آوری جریانات و افراد نیز ممانعت به عمل آورد.

سوال دهم: دولت جوان انقلابی (حزب‌اللهی) چه ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند

حلال مشکلات کشور باشد؟

لازم به ذکر است که منظور از واژه «جوان» در دولت جوان حزب‌اللهی یا دولت جوان مومن انقلابی، صرفاً براساس معیار سن و سال تقویمی افراد تعیین نمی‌شود، بلکه «جوان» در اینجا مفهومی استعاری است که بر صدق وجود ویژگی‌ها و اوصاف جوانی اعم از مسئولیت‌پذیری، پیشگامی، چابکی، نشاط، چالاکی، روحیه پی‌گیری و جهادی داشتن برای به ثمر رساندن سیاست‌ها و برنامه‌ها در دولت دلالت دارد. به بیان دقیق‌تر، در دولت جوان حزب‌اللهی، لازم نیست شخص رئیس‌جمهور جوان باشد بلکه منظور داشتن روحیه و رویکرد جوانانه در دولت برای کار بیشتر و جهادی‌تر است. دولت جوان حزب‌اللهی، دولتی برخوردار از روحیه و انگیزه جهادی، ولایت‌مداری، نشاط کاری و کارآمدی برای حل مشکلات کلان کشور است. چنین دولتی در بزنگاه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی به جای بهانه‌تراشی برای فرار از مسئولیت، از تمامی ظرفیت‌های موجود کشور و محیط پیرامونی آن برای رفع موانع حرکت نظام جمهوری اسلامی به سمت اهداف مادی و معنوی خود، بهره می‌برد. آنچه که اعتباربخش به این گزاره ادعایی است، همانا تجربیات مختلف موفق برای خنثی‌سازی تحریم‌ها در داخل کشور در بزنگاه‌های بحرانی و خطیری همانند دوران دفاع مقدس و سازندگی و تقویت قدرت بازدارندگی دفاعی و خوداتکایی صنعتی کشور است.

با توجه به برخی از برداشتهای نادرست از مفهوم دولت جوان حزب‌اللهی، مقام معظم‌رهبری در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ در بخشی از بیاناتشان در نشست تصویری با

مجموعه‌ای از جوانان دانشجوی و تشکل‌های دانشگاهی، با اشاره به لزوم داشتن دولت جوان حزب‌اللهی، فرمودند: «مکرر گفته‌ام که به چنین دولتی معتقد و امیدوارم، اما معنای این حرف صرفاً این نیست که یک جوان سی و چند ساله رئیس دولت باشد؛ بلکه معنای دولت جوان حزب‌اللهی، یک دولت سرپا، پای کار، آماده و با نشاط است که بتواند کار کند و خسته و از کار افتاده نباشد. بعضی‌ها تا سنین بالا به یک معنا جوان هستند، همین شهید عزیزی که شما اسم بردید یعنی شهید سلیمانی عزیز که بنده شب و روز به یادش هستم، ایشان نزدیک ۶۰ سال سن داشتند و جوان نبودند، اگر ۱۰ سال دیگر هم زنده می‌ماند، و بنده هم زنده می‌ماندم و بنا بود که من مشخص کنم، او را در همین جا نگه می‌داشتم و کنار نمی‌گذاشتم.»

سوال یازدهم: گفته می‌شود اگر در انتخابات، دولتی انقلابی به قدرت برسد، جنگ

می‌شود، چقدر این ادعا قابل قبول است؟

این گزاره برای رقیب‌هراسی در میان مردم از سوی جریان غیرانقلابی مطرح می‌شود. اعتبار این ادعا به اندازه این ادعا که گفته می‌شود در آمریکا دموکرات‌ها مؤدب‌تر و صلح‌طلب‌تر از جمهوری خواهان هستند، می‌باشد؛ زیرا تاریخ ثابت کرده است که خشن‌ترین اقدامات علیه ملت ایران از جمله تحریم‌های ظالمانه را دموکرات‌ها (همانند دولت دموکرات کلینتون و اوباما) انجام داده‌اند. به هر حال در رد این ادعا می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

۱- تهدید نظامی ایران با این گزاره که «همه‌ی گزینه‌ها روی میز است»، جزو لفاظی‌های دائمی بیگانگان بویژه آمریکایی‌هاست که گاه و بی‌گاه تکرار می‌شود. با این حال، آنچه مانع

عملی شدن این تهدیدها می‌شود، نه وجود دولت یا دولت‌هایی با ادبیات مذاکره و دیپلماسی است، بلکه توان بازدارنده دفاعی کشور است که در سایه‌ی هدایت‌های عالمانه رهبری و مجاهدت‌های انقلابی نیروهای مسلح ایجاد شده است.

۲- تجربه، عکس مفروض نهفته در سؤال را اثبات می‌کند؛ بدین معنا که افزایش ادبیات تهدید نظامی علیه ایران همواره در شرایطی صورت گرفته که دشمنان از طریق مذاکره موفق به کسب امتیازاتی از ایران شده و تصور کرده‌اند که توانسته‌اند ایران را تضعیف کنند. به عنوان مثال، شاید بتوان گفت که بیشترین حجم تهدیدنمایی دشمنان در برهه بعد از انقلاب را در روزهای پایانی دولت ترامپ دیدیم. این در حالی بود که دولتی در ایران روی کار بود که ادبیات و گفت‌وگویش مبتنی بر مذاکره و تعامل بود.

۳- اتفاقاً روی کار آمدن یک دولت انقلابی می‌تواند سایه تهدید را بیش از پیش از سر کشور کم کند؛ زیرا این دولت با کارآمدسازی دستگاه‌ها در حوزه‌های مختلف، به ترمیم نقاط ضعف کشور می‌پردازد و مانع از تهدیدنمایی‌های دشمنان می‌شود.

سوال دوازدهم: چرا اصلاح‌طلبان برخلاف اصولگرایان راحت‌تر به اجماع می‌رسند؟

در پاسخ به سوال فوق باید توجه نمود که:

۱- پیش فرض مذکور گزاره‌ای نیست که همواره صادق باشد! موارد متعددی را می‌توان برشمرد که اصلاح‌طلبان نتوانستند به وحدت برسند. به عنوان نمونه، در اداره شورای شهر اول، اختلافات در اصلاح‌طلبان آن قدر بالا گرفت که، پایتخت برای ماه‌های متمادی بدون شهردار ماند! و سرانجام آن شورا به تنش و تعطیلی کشید! انتخابات شورای شهر دوم نیز

اصلاح طلبان آن قدر متفرق بودند که لیست واحد و گمنام آبادگران ایران اسلامی توانست در اوج دوران حاکمیت دوم خرداد پیروز انتخابات شود! در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، اصلاح طلبان با چهار گزینه وارد انتخابات شدند و هیچ یک حاضر نشد به نفع دیگری کناره گیری کند و حاصل آن ناکامی در انتخابات و پیروزی گزینه رقیب بود. امروز نیز اختلافات در اردوگاه اصلاحات وجود دارد و ممکن است این اختلافات منجر به تفرق در نامزدهای اصلاح طلب شود و تحقق اجماع را دشوار سازد.

۲- در طول سال‌های اخیر اصلاح طلبان در مسیر همگرایی و ائتلاف بهتر از اصولگرایان عمل کرده‌اند. علت این امر را می‌توان در سوابق کار تشکیلاتی حرفه‌ای‌تر و حرف‌شنویی بیشتر آنها از بزرگان این اردوگاه جستجو کرد. این امر موجب شده تا اصلاح طلبان راحت‌تر برای کسب منفعت بیشتر در کنار هم قرار بگیرند و تصویر بیرونی از آنان هم‌گراتر جلوه نماید.

۳- ما در جریان انقلابی به ویژه در سال‌های اخیر با خلا شخصیت‌های مرجع همانند مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی و مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی و همچنین کاهش ضریب نفوذ نهادهای اجماع‌ساز در جبهه اصولگرایی همانند جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مواجهیم که تاثیر مثبتی در رسیدن به وحدت داشتند.

۴- از سوی دیگر، در جریان اصولگرایی و انقلابی چون برخی افراد یا گروه‌ها با نگاه تکلیف‌گرایی - آن هم بر اساس برداشت‌های خود و بدون لحاظ نتیجه و فرجام اقدام خود برای کلیت جریان انقلابی - وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی می‌شوند، همین امر موجب می‌شود به راحتی با دیگران به اجماع نرسند.

سوال نهم: بزرگترین انحراف و لغزش احمدی نژاد چیست؟ چرا جریان انقلابی

راهش را از وی جدا کرد؟

احمدی نژاد چهره سیاسی بود که با بالا بردن پرچم عدالت خواهی و انقلابی گری و احیاء آرمان های امام و انقلاب در سال ۱۳۸۴ مورد توجه نیروهای انقلاب و مردم قرار گرفت و توانست بر رقیب سرسخت خود پیروز شود. اما پس از پیروزی به ویژه از نیمه دولت دوم مسیری را در پیش گرفت که انتهای آن واگرایی و خروج از دایره نیروهای انقلاب بود! در واقع، این احمدی نژاد بود که با فاصله گیری از اندیشه های انقلابی و آرمان های امام و رهبری به گونه ای مسیر خودش را از جریان انقلابی جدا کرد که تلاش ها و دلسوزی های فراوان نیروهای انقلابی برای حفظ وی در این مسیر به دلیل پاره ای ویژگی های شخصیتی میسر نشد!! بزرگترین انحراف و لغزش احمدی نژاد را می توان در سه عامل ولایت مداری، استحاله فکری و سازش در برابر دشمنان ذکر کرد. متأسفانه احمدی نژاد در کنار نقاط قوتی که به ویژه در دولت اولش داشت، از نقاط ضعف هایی نیز رنج می برد که در نهایت همان نقاط به پاشنه آشیل وی تبدیل شد و سرنوشت او را از اردوگاه نیروهای انقلاب جدا کرد. برخی از این نقاط ضعف عبارتند از:

۱- **غرور، خودشیفتگی و فاصله گرفتن از ولایت** که با خانه نشینی ۱۱ روزه آشکار شد و روز به روز بر آن افزوده گردید.

۲- **روحیه خود محوری و خودسری و خود نخبه بینی**، یکی از معضلات شخصیتی او بود که اجازه نمی داد انتقادات و راهنمایی های دیگران بر او کارگر افتد و مانع انحراف وی شود.

۳- **اسیر شدن در حلقه جریان انحرافی** و اعتماد بیش از حد به آنها کافی بود که روز به روز شاهد واگرایی بیشتر او از اردوگاه نیروهای انقلاب باشیم. این حلقه به تدریج احمدی‌نژاد را از دوستان و مشاوران دلسوز و انقلابی‌اش دور کرد و در دایره تنگ مشایی و بقایی و ... محدود نمود و امکان اثرپذیری و تفکر صحیح را از او گرفت!

۴- **گیر کردن در حلقه مشاوران محدود**، وی را در مسیر شاذگرایی قرار داده و مواضعی را در گفتار و رفتار از او ثبت کرد که با گفتمان انقلاب اسلامی و ولایت فاصله داشته و دارد. به تدریج این عملکرد حساسیت نیروهای انقلاب را نسبت به وی دوچندان کرد، تا آنجا که کار وی در ماجرای عزل وزیر اطلاعات به مقابله مستقیم با رهبری و ترمز و خانه‌نشینی انجامید. روند فاصله‌گیری احمدی‌نژاد از نظام و رهبری بعد از دوران ریاست‌جمهوری روزافزون‌تر شد تا جایی که در انتخابات ۱۳۹۶ بر خلاف توصیه رهبر معظم انقلاب برای نامزدی انتخابات ثبت‌نام کرد و شورای نگهبان صلاحیت وی را احراز نکرد و در شرایط امروز به نظر برخی تحلیل‌گران وی به گونه‌ای سخن می‌گوید و رفتار می‌کند که تمایل‌اش برای حفظ شهرت و زیست رسانه‌ای و لیدری جریان اپوزیسیون داخلی با هدف هزینه‌سازی برای نظام اسلامی مشهود است.

سوال چهاردهم: چرا احمدی نژاد با علم به اینکه می‌داند برای انتخابات تأیید صلاحیت نمی‌شود، اما حضور فعال در انتخابات دارد؟ در صورت ثبت نام و رد صلاحیت، وی چگونه رفتار خواهد کرد؟

در خصوص دلایل این امر باید به چند نکته اشاره کرد که محرک رفتارهای سیاسی - انتخاباتی احمدی نژاد است:

۱- احمدی نژاد متأثر از ویژگی‌های شخصی و روانی‌اش میل به دیده شدن و بروز و ظهور در فضای سیاسی، رسانه‌ای و عمومی کشور دارد. به عبارت دقیق‌تر، احمدی نژاد نمی‌خواهد در فضای سیاسی کشور فراموش شود.

۲- به دلیل دیدگاه خاصی که وی و اطرافیانش در مورد نظام و مسئولان دارند و همه را متهم به فساد می‌کنند، وی با تظاهر به منجی‌گری تلاش می‌کند تا با اتخاذ مواضع انتقادی که به طور عمده سویه‌های تقابلی هم دارند، به کنش‌گری سیاسی خود ادامه دهد. بنابراین، وی با وجود آگاهی از رد صلاحیت، به فعالیت‌های انتخاباتی خود ادامه می‌دهد تا از همین فعالیت‌ها به عنوان ابزار فشاری بر شورای نگهبان استفاده کند.

۳- علاوه بر اینها، با توجه به ضعف و ناکارآمدی دولت روحانی، احمدی نژاد تصور می‌کند که هم‌اکنون از بیشترین اقبال عمومی برخوردار است و چنانچه به فعالیت‌های انتخاباتی خود ادامه دهد و با فشار افکار عمومی و هوادارانش به هر نحوی بتواند از فیلتر شورای نگهبان عبور کند، برنده انتخابات خواهد بود.

در مورد بخش دوم سؤال باید گفت؛ احمدی نژاد در صورت رد صلاحیت به احتمال زیاد تلاش خواهد کرد تا به هزینه‌سازی برای نظام بپردازد. همچنین وی تلاش خواهد کرد، تا با

طرح برخی اتهامات، ضمن هزینه‌سازی برای نظام، برنامه‌ی جریان انقلابی در انتخابات را برهم بزند و مانع از روی کار آمدن دولتی انقلابی شود. همچنین برخی معتقدند احتمال پیوستن وی به رقبای جناح انقلابیون هم در انتخابات و یا اپوزیسیون در صورت بروز تنش‌های اعتراضی و خیابانی وجود دارد. بنابراین مردم و خصوصا نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی باید با نهایت هوشمندی رفتارهای سیاسی احمدی‌نژاد را رصد کرده و دیگران را نسبت به این رفتارهای ساختارشکنانه آگاه سازند.

سوال پانزدهم: در انتخابات ۱۴۰۰ رقابت اصلی بین کدام جریان‌هاست و

تفاوت‌های عمده این جریان‌ها در چیست؟

رقابت در این انتخابات همچون انتخابات‌های صورت گرفته در دو دهه اخیر، بین دو اردوگاه اصولگرایان و اصلاح‌طلبان خواهد بود. برای هر یک از این دو اردوگاه می‌توان ویژگی‌هایی را برشمرد:

۱- اصلاح‌طلبان در حوزه سیاست خارجی، سیاست نزدیکی به غرب را در دستور کار دارند. مبتنی بر این نگاه، آنها معتقدند بخشی از دشمنی‌های موجود بین غرب به محوریت آمریکا و جمهوری اسلامی در فضای بین‌الملل محصول سوء تفاهماتی است که از طریق گفتگو می‌توان بر آنها فائق آمد. این جریان در عمل به تلاش برای تعامل با غرب با هر روش ممکن تاکید دارد و در این مسیر حاضر است حتی از بسیاری از اصول و چارچوب‌های منافع ملی کوتاه بیاید!

اصلاح طلبان در حوزه اقتصاد معتقد به هضم شدن در نظام اقتصاد بین‌المللی هستند. آنها حل مشکلات کشور را از طریق حل مشکلات دیپلماتیک می‌دانند و در طول هشت سال گذشته این خط و مشی را دنبال کرده‌اند. همچنین در حوزه فرهنگ، اعتقادی به نقش آفرینی دولت برای هدایت جامعه بر اساس ارزش‌ها ندارند و وظایف دولت در عرصه فرهنگ را حداقلی و در حد حامی مالی می‌دانند و از رهاشدگی در این عرصه سخن می‌گویند! در حوزه سیاست داخلی نیز بر توسعه سیاسی به سبک غربی تاکید دارند که رنگ و بوی سکولاریزم دارد، هرچند تحت عناوینی چون مشروطه‌خواهی و جمهوری‌خواهی باشد.

در انتخابات ۱۴۰۰ نیز بر تداوم برجام و مذاکره با غرب به مثابه تنها راه حل مشکلات کشور تاکید خواهند کرد، و از اعطای آزادی به جوانان و کاهش کنترل‌های فرهنگی - اجتماعی دولت از جمله در فضای مجازی و ... سخن خواهند گفت و مثل همیشه مطالبه‌ی برگزاری انتخابات آزاد و پرهیز از مهندسی انتخابات، دوگانه‌های دروغین مثل تعامل - تقابل، معیشت - مذاکره و کاهش نظارت استصوابی شورای نگهبان را برای تحریک افکار عمومی به نفع خود مطرح خواهند کرد.

۲- در مقابل جریان اصلاحات، اصولگرایان و نیروهای انقلابی هستند که بحث توسعه و پیشرفت کشور را از نگاه به درون آغاز می‌کنند و بر «ما می‌توانیم» و تقویت ساخت درونی قدرت با اتکا به سرمایه‌ها و ظرفیت‌های مادی و استعداد‌های انسانی داخل کشور تاکید دارند.

بر خلاف عملیات روانی اردوگاه اصلاحات - اعتدال، این جریان از گفتگو و مذاکره در سیاست خارجی واهمه‌ای ندارد، اما چرخش چرخ توسعه کشور را در گرو حل مشکلات «ما» و «غرب» نمی‌داند و در سیاست خارجی مبتنی بر سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت»

عمل کرده، منتظر آمد و شد روسای جمهور قبل و بعد آمریکا و تصمیم‌گیری بیگانگان نمی‌ماند و برای خود چارچوب و خط قرمزهایی قائل است که یکی از مهمترین آنها عدم به رسمیت شمردن رژیم صهیونیستی است. همچنین حمایت از مظلومین و مستضعفان را یکی از وظایف خود دانسته و در برابر نظام سلطه ایستادگی و مقاومت را پیشه خود قرار داده است. در عرصه فرهنگ معتقد به نقش آفرینی دولت در امر هدایتگری جامعه به سمت کمال است و برای آن رسالت قائل است و معتقد است که باید کاری کرد که مسیر هدایت در جامعه هموارتر از مسیر انحراف و انحطاط باشد. در حوزه توسعه سیاسی نیز به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت اعتقاد دارد و بر مردم سالاری دینی تاکید می‌کند و فرآیند توسعه سیاسی غربی را در تضاد با آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌داند.

در شعارهای انتخاباتی نیز بر ضرورت تغییر از طریق تشکیل دولت انقلابی با مدیریت جهادی به منظور تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب تاکید دارد و پرچم تحقق عدالت و مبارزه با فساد را در قاطبه انتخابات‌ها بالا می‌برد و بر آن به مثابه گامی برای افزایش سرمایه اعتماد عمومی نظام اسلامی و ارتقای کارآمدی حکمرانی ولایی تاکید ویژه دارد.

سوال شانزدهم: این ادعا که نگذاشتند دولت روحانی کار کند تا چه اندازه می‌تواند درست باشد؟

این ادعا معمولاً در پایان دوره دولت‌ها و با مشخص شدن ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های آنها مطرح می‌شود. در واقع، بعد از آنکه دولت‌ها نمی‌توانند به وعده‌های خود عمل کنند و برخی

شعارهای آنها بر زمین می‌ماند، همواره تلاش می‌کنند تا با فرافکنی، دلیل ناکارآمدی‌ها و ضعف‌های خود را به نظام نسبت دهند. این در حالی است که اولاً همه‌ی دولت‌ها از فرصت لازم و کافی برای تحقق ابتکارات خود و عمل به وعده‌هایشان برخوردار بوده‌اند. در همین ارتباط در مورد دولت روحانی باید گفت؛ مهمترین وعده و شعار آن، حل مشکلات از طریق مذاکره بود که انصافاً برای به نتیجه رسیدن این وعده، فرصت کافی در اختیار دولت روحانی وجود داشت، اما اینکه چرا علی‌رغم این فرصت، نتیجه مطلوب حاصل نشد، به این دلیل نیست که عده‌ای در داخل کشور نگذاشتند دولت کار کند، بلکه به رویکرد عمده این دولت برمی‌گردد. به نظر می‌رسد مهمترین مشکل دولت روحانی عدم ولایت‌محوری و فاصله گرفتن از معارف قرآنی و دینی و در عوض توجه بیش از حد و منفعلانه به سیاست تعامل و مذاکره و گره زدن حل مشکلات به بیرون است. اثر و نتیجه‌ی این رویکرد افراطی در اعتماد به غرب، خلف وعده‌ها و دشمنی‌های طرف‌های خارجی و عمل نکردن به وعده‌ها و بی‌ثمری برجامی بود که تمام تمرکز دولت را معطوف به خود کرده بود. البته این عدم وفای غرب قابل پیش‌بینی بود.

ثانیاً امکانات مختلف کشور به طور عمده در اختیار رئیس‌جمهور و قوه مجریه قرار دارد (به عنوان مثال حدود ۹۰ درصد بودجه کشور در اختیار قوه مجریه قرار دارد و تمام مسئولیت‌ها و امکانات اجرایی کشور هم در اختیار دولت است) و تاکنون سابقه ندارد که احدی اجازه نداده باشد که دولت‌های مختلف - از جمله دولت روحانی - از این امکانات استفاده نکنند تا کشور به نحو احسن اداره شود. اساساً مشکل کشور در عدم استفاده‌ی بهینه از ظرفیت‌ها و امکانات موجود است نه در مانع ایجاد کردن برای استفاده از ظرفیت‌های موجود کشور.

ثالثاً نه تنها هیچ کس مانع از کار کردن دولت روحانی نشده است، بلکه دستگاه‌های حاکمیتی مانند سپاه هم به شیوه‌های مختلف به این دولت کمک کرده‌اند مانند اقدامات مختلفی که قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء انجام داده و دولت چند ده هزار میلیارد تومان به آن بدهکار است. همچنین می‌توان به ده‌ها اقدام دیگر از جمله موافقت‌های رهبری با درخواست‌های دولت جهت تسهیل کارهای دولت مانند دستور به «تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا» و محوریت دولت در آن، حمایت‌های رهبری از دولت و تشویق مردم به امر مواسات و کمک‌های مومنانه در مسئله مقابله با کرونا به صورت عمومی در این زمینه اشاره کرد.

سوال هفتم: آیا انتخابات می‌تواند حلال مشکلات کشور باشد؟ با چه شرایطی و در

چه صورتی انتخابات در حل مشکلات موثر خواهد بود؟

مرکز ثقل در انتخابات، ارتقای کارآمدی و اداره بهینه کشور است. بنابراین، میان انتخابات و حل مشکلات، بویژه در حوزه مسائل روزمره، اقتصاد و معیشت، نسبتی مستقیم وجود دارد؛ بدین معنا که به میزانی که انتخابات منتج به روی کارآمدن افراد و نخبگان شایسته‌تر، کارآمدتر، پویاتر، پرتحرک‌تر و با برنامه و تیم قوی‌تر شود، افق موجود برای حل مشکلات، روشن‌تر و امیدبخش‌تر خواهد بود. این ارتباط، بویژه بر این اساس که ناکارآمدی‌ها و ضعف‌های موجود مربوط به مدیران ناکارآمد و فاقد تحرک است، اهمیت فراوان دارد. در واقع، اگرچه در نگاه اول ممکن است میان انتخابات و مسأله معیشت ارتباطی برقرار نباشد، اما در اصل، انتخابات به عنوان زمینه‌ساز چرخش نخبگان و مدیران، نقش مهمی در مسأله

معیشت دارد؛ زیرا کیفیت اداره اقتصاد و معیشت در کشور به میزان بالایی به لیاقت و ظرفیت‌های مدیران و نخبگانی بستگی دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم برآمده از انتخابات هستند. به عنوان مثال، بیائید تصور کنیم به جای دولت کنونی که با مشکلات تحریم و فشارهای خارجی مواجه است و تلاش می‌کند از طریق مذاکره و **رفع تحریم‌ها** مشکلات اقتصادی را حل کند، دولتی چالاک‌تر، جوان‌تر و پرتحرک‌تر وجود داشت که با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و همچنین دیگر ظرفیت‌ها در سیاست خارجی به دنبال **خنثی‌سازی تحریم‌ها** می‌رفت، قطعاً حجم مشکلات موجود کمتر از میزان کنونی بود. در مثالی دقیق‌تر می‌توان به تفاوت عملکرد مجلس کنونی با مجلس قبلی اشاره کرد؛ مجلس قبلی تقریباً نقش درخور توجهی در اداره کشور نداشت، اما مجلس کنونی نقش و جایگاه مناسب خود را در اداره کشور پیدا کرده است و در موارد زیادی تلاش می‌کند تا به دولت کمک کند که یکی از مهمترین اقدامات آن در این راستا، تصویب طرح «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» در حوزه سیاست خارجی و طرح منابع جدید مالیاتی برای افزایش درآمدهای دولت در شرایط تحریم نفت در سیاست داخلی بود. این تفاوت‌ها در حالی است که هر دوی این مجالس برآمده از انتخابات بودند. بنابراین، مشخص است که کیفیت رأی مردم و نتیجه انتخابات تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر حل مشکلات اقتصادی دارد.

در پاسخ به بخش دوم سؤال هم باید گفت؛ انتخابات تنها در شرایطی می‌تواند منجر به مشکل‌گشایی بهتر و بیشتر شود که با دو خصیصه مهم برگزار شود؛ اول مشارکت حداکثری که نشان از وحدت ملی و انسجام داخلی داشته و بر وضعیت روابط خارجی کشور تأثیر مثبت بگذارد و دوم، انتخاب فرد اصلح که می‌توان گفت مهمترین متغیر برای حل مشکلات موجود است. انتخاب اصلح، یعنی انتخاب مدیر کارآمد و با کفایت در همه حوزه‌ها.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در بیانات نوروزی خطاب به مردم، پس از بیان ملاک‌ها و معیارهای انتخاب درست و ویژگی‌های رئیس‌جمهور اصلاح، فرمودند: «اگر چنانچه یک چنین کسی باشد که بتواند مشکلات را مدیریت کند و بیاید سر کار، مطمئناً این کشور را به نقطه مطلوب خواهد رساند. یک رئیس‌جمهوری با این خصوصیات را پیدا کنید.»

سوال هجدهم: چرا انتخابات ایران برای کشورهای غربی اهمیت دارد؟ نقشه آمریکا

برای این انتخابات چیست؟

مطالعه کنش سیاسی - رسانه‌ای کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا و انگلیس به هنگام برگزاری انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، بیان‌گر حساسیت خاص آن‌ها نسبت به چگونگی برگزاری این رخداد و نتایج آن است. این حساسیت و توجه غرب به انتخابات ایران، در حد مشاهده روند و نتایج انتخابات باقی نمی‌ماند، بلکه دولت‌های غربی تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا به زعم خود، بر روند و نتایج انتخابات ایران تأثیر بگذارند و اهداف خاص خود را در این زمینه دنبال کنند. بنابراین انتخابات ایران از اهمیت زیادی برای غربی‌ها برخوردار است؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران، یک نظام سیاسی متمایز از نظام‌های سیاسی دنیا است، به این معنا که مشروعیت سیاسی و مقبولیت خود را بر مبنای دین و رأی مردم تعریف کرده است و اساساً مبنای قرار دادن رأی و نظر مردم را یک امر دینی می‌داند و به این ترتیب میان حقوق الهی و مردمی حاکمیت پیوند ایجاد کرده است. این الگوی سیاسی خاص و متمایز در مقابل نظام‌های غیر دینی و سکولار غرب و شرق قرار می‌گیرد که یا به شکل دیکتاتوری اداره می‌شوند و یا نخبه‌گرایی سرمایه‌دارانه را در پوشش دموکراسی به

عنوان یک نظام سیاسی دموکراتیک تعریف می‌کنند. بنابراین از نظر غربی‌ها، حکومت ذاتاً پدید آمده-یی سکولار و غیردینی است و از این رو آنان نمی‌توانند موجودیت جمهوری اسلامی را برتابند. با توجه به آنچه درباره نقش مردم در مشروعیت جمهوری اسلامی گفته شد، مسلماً حضور مردم در انتخابات، از مهم‌ترین موقعیت‌های تجلی حقوق سیاسی آنان در جمهوری اسلامی و ایفای نقش مشروعیت بخش آن‌ها محسوب می‌شود و از این رو برای دولت‌های غربی بسیار مهم است که چگونگی این حضور، و نوع انتخاب مردم در انتخابات جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار دهند. در این زمینه سیاست آنان در گذشته، تلاش برای کاستن از حضور مردم در انتخابات و در مقطع کنونی تأثیر گذاشتن بر نوع انتخاب مردم بوده است.

غرب در انتخابات ۱۴۰۰، از همه ابزارهای تاثیرگذاری خود بر افکار عمومی ایرانیان از جمله ابزار رسانه و شبکه‌های نفوذ استفاده خواهد کرد تا از پدیده‌آیی یک دولت انقلابی متکی بر رای مردم جلوگیری کند.

سوال نوزدهم: آیا با رفتن ترامپ و آمدن بایدن در آمریکا، امکان احیای برجام،

رفع تحریم‌ها، تداوم مذاکرات و حل مشکلات کشور وجود دارد؟

برخی تحلیل‌گران و جریان‌های سیاسی کشور در دوره مبارزات انتخاباتی در آمریکا و ابتدای پیروزی بایدن، در تفسیر از روی کار آمدن دموکرات‌ها و بایدن بر این باور بودند که دوران سختی سپری شده و دولت بایدن به تعهدات بین‌المللی از جمله برجام باز خواهد گشت و ایران از شرایط فشار حداکثری تحمیلی ترامپ نجات پیدا خواهد کرد. در برابر این دسته از افراد، جریان دیگری بود که بین بایدن و ترامپ فرقی قائل نبوده و تصریح داشت که با روی کار آمدن اجاره‌نشین جدید در کاخ سفید، برجام ۲۰۱۵ نه تنها احیاء نخواهد شد، فشارها و

تحریم‌ها نیز تداوم خواهد داشت. رهبر معظم انقلاب نیز با دلایل متقنی دیدگاه دوم را باور داشتند. اکنون که بیش از ۹۰ روز از روی کار آمدن بایدن می‌گذرد، واقع بینانه بودن و درستی تحلیل گروه دوم را شاهد هستیم. البته دلایلی که برجام ۲۰۱۵ امکان احیاء کامل ندارد، متعدد است، اما به اختصار می‌توان گفت؛ غربی‌ها و خصوصاً آمریکایی‌ها از طریق حفظ تحریم‌ها و فشارها می‌خواهند برجام‌های دیگری را در حوزه برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای تحمیل کنند. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در جلسه انس با قرآن در اول ماه مبارک رمضان فرمودند؛ هدف نهایی آمریکایی‌ها از مذاکره، تحمیل خواسته‌ها و نظرات خود و به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی و بازبایی سلطه خود بر ایران است. این رفتار آمریکایی‌ها در قبال ایران، انطباق کامل دارد با آنچه خداوند متعال در آیه ۱۲۰ سوره مبارکه بقره به آن تصریح می‌فرماید: «وَكُنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ؛ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی) و از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.»

بنابراین، هر چند ممکن است در آستانه انتخابات و برای تاثیرگذاری بر افکار مردم ایران، آمریکایی‌ها گشایش‌هایی را ایجاد نمایند، لکن به سمت برداشتن همه تحریم‌ها نخواهند رفت.

سوال: میثم: حال که بایدن به وعده‌های انتخاباتی خود برای بازگشت به برجام و

لغو تحریم‌ها عمل نمی‌کند، برای عبور از تحریم‌ها چه باید کرد؟

به طور کلی دو رویکرد یا روش برای عبور از تحریم‌ها وجود دارد؛ ۱- رفع تحریم‌ها؛ ۲- خنثی سازی تحریم‌ها. به دلایل مختلف و تحریبات گذشته در عملکرد حاکمان کاخ سفید که پس از پایان جنگ تحمیلی در دوره دولت سازندگی مسیر مذاکرات موسوم به گفتگوهای انتقادی (۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) را برای تنش‌زدایی و رفع موانع سرمایه‌گذاری و فشارهای تحریمی برگزیدند تا مذاکرات توأم با انواع تحریم‌های هسته‌ای از سال ۱۳۸۲ تا کنون، چشم انداز رفع تحریم‌ها به دور از تصور است و مشخص شد که رفع تحریم‌ها با آمد و رفت کاخ سفیدنشینان شدنی نیست. به همین جهت رهبر حکیم انقلاب فرمودند «برای علاج تحریم‌ها دو مسیر "خنثی‌سازی تحریم‌ها و غلبه بر آنها" و "رفع تحریم‌ها" وجود دارد. ما مسیر رفع تحریم را یک‌بار امتحان و چند سال مذاکره کردیم اما به نتیجه‌ای نرسید. مسیر غلبه بر تحریم‌ها ممکن است در ابتدای کار، سختی‌ها و مشکلاتی داشته باشد اما خوش‌عاقبت است.» (۱۳۹۹/۹/۴)

با توجه به این که نتایج رویکرد رفع تحریم‌ها آزمون شده و نتیجه بدست نیامده است عقل و منطق حکم می‌کند که حل مشکلات اقتصادی کشور به جابجایی قدرت در کاخ سفید و مذاکره گره زده نشود. مهمتر این که واقعیت‌های اقتصادی کشور فراتر از گره زدن حل مشکلات به دولت جدید آمریکا و مذاکره مجدد است؛ زیرا به اعتقاد اکثر صاحب نظران، تحریم‌ها تنها یکی از عوامل تأثیرگذار بر وضعیت اقتصادی کشور است؛ از نظر آنها این عامل تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد از مشکلات اقتصادی کشور را شامل می‌شود و ۷۰ تا ۸۰

درصد آنها ناشی از ناکارآمدی و سوء مدیریت و کاستی های داخلی و چه بسا تحریم های داخلی است. در این زمینه رهبر معظم انقلاب فرمودند: «یکی از مشکلات اقتصاد ما در این سه چهار سال اخیر همین بوده که مدام گفتیم تحریم [اگر] برداشته بشود، مثلاً فرض کنید این جوری می شود، تحریم [اگر] برداشته شد آن جوری خواهد شد، سرمایه گذاری خارجی [اگر] انجام بگیرد این جوری خواهد شد؛ این «اگر اگرها» اقتصاد را معطل و سردرگم نگه می دارد و نایستی بلا تکلیفی در اقتصاد به وجود بیاید، که این ضرر بزرگی است». از این رو، نظر به اینکه علت اصلی و ریشه ای مشکلات اقتصادی کشور در درون کشور است لذا حل آن را نیز در داخل کشور باید جستجو کرد. نمونه آشکار و امیدبخش حل مشکل در داخل، پیشرفت های فوق العاده ای است که با وجود فشارهای حداکثری آمریکا صورت گرفت، به گونه ای که در بعضی از بخش هایی که کاملاً کالاها وابسته به خارج بود، کشور از خارج بی نیاز شد. همچنین با ورود دلسوزانه قوه قضائیه برای کارگشایی از رونق تولید و به حرکت درآوردن چرخ های تولید کارخانجات، حدود دو هزار واحد در یک سال گذشته به چرخه فعال سازی تولید برگشته اند و انبوهی از کارگران را مشغول کرده اند.

سوال میت ویکم: چرا در حالی که به نظر می رسد با شکست برجام، دیگر موضوع مذاکره خریداری نداشته باشد، اما همچنان اصلاح طلبان از راهبرد مذاکره دفاع می کنند؟

دلایل مختلفی در چرایی دفاع اصلاح طلبان از مذاکره با آمریکا به رغم تجربه چندین ساله مذاکرات وجود دارد که می توان به دلایل نگرشی و مبنایی، دلایل تحلیلی نسبت به مناسبات جهانی قدرت، دلایل روانشناسی و دلایل سیاسی و حزبی اشاره کرد.

۱- غالب اصلاح طلبان امریکا را قدرتی بی مانند می دانند و در عین حال آن را به عنوان نماد نظام سلطه و استکبار و دشمن اصلی جمهوری اسلامی نمی شناسند. در واقع، قدرت آمریکا برای اصلاح طلبان آن قدر بزرگ است که با نگاه مرعوبانه اعلام می کنند که اگر ایران پیش قدم برای مذاکره نشود یا باید متحمل جنگ نابرابری شود و خسارات بزرگ جنگ را پردازد و یا فشارهای اقتصادی را بپذیرد و از این رهگذر اقتصاد کشور نابود شود.

۲- آنها به جای اعتقاد به تنش زایی سیاست های استکباری آمریکا، سیاست های جمهوری اسلامی ایران را عامل تنش می دانند و به همین دلیل می گویند ایران باید موانع رابطه را بردارد و از تنش زایی جلوگیری نماید.

۳- اصلاح طلبان عمده مسائل و مشکلات اقتصادی کشور را به سیاست خارجی ایران گره می زنند. از این رو، تأکید دارند که اگر ایران بخواهد از این مشکلات بیرون آید و قدرت بزرگی در جهان باشد باید اقتصاد خود را بازسازی کند و موقعیت اقتصادی خود را در سطح جهان بسیار ارتقاء بخشد و این امر قطعی و تغییر وضعیت اقتصادی ایران مستلزم مذاکره و رابطه با امریکاست.

۴- تغییر نگرش این جریان نسبت به مفاهیم بنیادین عزت و استقلال ملی، استکبارستیزی، مقاومت، حمایت از مظلوم و... باعث شد تا رابطه و مذاکره با آمریکا را به هر قیمت دنبال کنند. از نظر آنها پذیرش رفتار تحقیرآمیز «دونالد ترامپ» توسط رئیس جمهور صربستان، اقدام شجاعانه، اخلاقی و معطوف به داشتن عقلانیت سیاسی است که ایران نیز باید به چنین رفتاری مشابهی در مواجهه با آمریکا دست بزند؛ زیرا سبب بهبود موقعیت بین‌المللی کشور و تامین‌کننده‌ی منافع اقتصادی ما در عرصه جهانی است همان‌طور که منافع صرب‌ها را به زعم آنها تامین کرد. در همین راستا، برای اصلاح‌طلبان برقراری مذاکره و رابطه با آمریکا چه در زمان بوش و ترامپ یا بایدن ولو تحقیرآمیز و به قیمت شکسته شدن عزت و استقلال ایران باشد، فرقی نمی‌کند. این نوع نگاه راهبردی است که ۱۰۰ فعال اصلاح‌طلب نامه‌ای به رهبری می‌نویسند که جام زهر را بنوشد و «مذاکره بدون پیش‌شرط» با ترامپ را بپذیرد.

۵- اصلاح‌طلبان به رغم توصیه‌های مکرری که برای مذاکره با ترامپ را مطرح می‌ساختند، قائل به تفاوت راهبردی بین جمهوری خواهان با دموکرات نسبت به ایران هستند. نوع و ماهیت مواضع و رفتارهای اصلاح‌طلبان به روشنی نشان می‌دهد که آنها علقه‌های خاصی به دموکرات‌ها دارند و گویا حضور دموکرات‌ها در قدرت آمریکا را برای موقعیت داخلی خودشان مفیدتر می‌دانند. به همین جهت با پیروزی بایدن بسیار ذوق زده شده و در روزنامه‌های خود نوشتند که امید به اصلاحات بازگشت!! یا ورود بایدن به کاخ سفید را فرصت طلایی اعلام کردند و پیش‌قدمی ایران برای مذاکره با بایدن را ضرورت اساسی دانستند. حال آن که بایدن با نصب «ریچارد نفیو» مشهور به «معمار تحریم‌های ضدایرانی» در وزارت خارجه تمديد قانون وضعیت اضطراری علیه ایران و مشروط کردن مذاکره و کاهش

تحریم‌ها به دادن امتیازات بیشتر توسط ایران و پذیرش برجام پلاس و... نشان داد که بایدن و ترامپ دو روی یک سکه‌اند و تنها روش‌های آنها کمی تفاوت می‌کند.

سوال میت و دووم: ما نسبت به انتخابات مهم پیش رو چه وظایفی داریم؟

همه ما در انتخابات یکسری وظایف فردی داریم و یکسری وظایف اجتماعی. وظیفه فردی ما این است که در مرحله اول، خودمان شرکت در انتخابات را واجب و یک مسئولیت ملی بدانیم و حتما در آن شرکت نماییم. البته در امتداد این وظیفه، لازم است تلاش کنیم از بین نامزدهای مختلف و صالحی که صافی شورای نگهبان را پشت سر گذاشته‌اند، گزینه اصلح و شایسته‌ترین فرد برای مسئولیت ریاست جمهوری یا هر انتخابات دیگری را انتخاب کنیم. در این باره اگر خودمان قادر به شناسایی اصلح هستیم، به شناخت خود عمل کنیم و الا مطابق با ادبیات قرآنی «**فَسَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ**» (نحل/۴۳) باید از معتمدین و افراد مورد وثوق که اهل علم و تجربه‌ی در مسائل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هستند و نامزدها و برنامه‌های آنها را می‌شناسند، کمک بگیریم و در واقع از کسی که علم و اهلیت دارد پرسیم و سپس و براساس آن دست به انتخاب گزینه اصلح بزنیم؛ زیرا بر اساس همین آیه، اگر پرسش از اهل ذکر در چیزهایی که نمی‌دانیم لازم است، پذیرش پاسخ آنها نیز لازم است. به هر حال، به تعبیر رهبر معظم انقلاب ما در هر انتخابی باید «**خودمان را به حجت شرعی**» برای انتخاب درست و اصلح برسانیم تا اگر در این دنیا و آخرت مورد سوال واقع شدیم بتوانیم دلیل انتخاب خود را توضیح دهیم.

- ما در انتخابات ۲ وظیفه عمده و اصلی بر عهده داریم:
- ۱- خود با انگیزه بالا در انتخابات شرکت کرده و براساس معیارهای درست، دست به انتخاب اصلح بزنیم.
 - ۲- دیگران را به مشارکت آگاهانه در انتخابات دعوت کنیم.
- به طور قطع، اگر نیروهای جبهه انقلاب به درستی به این وظیفه انقلابی - الهی عمل کنند، یک دولت مطلوب با رای مردم شکل خواهد گرفت و بسیاری از مشکلات حل خواهند شد.

سوالات مسابقه

- ۱- «تواصی به حق» در انتخابات چگونه است؟
 - الف) صرفاً شرکت در انتخابات است.
 - ب) از طریق روشنگری و هدایت سیاسی حاصل می‌شود.
 - ج) هم حضور در پای صندوق رأی است و هم توصیه به دیگران برای حضور در انتخابات است.
 - د) صرفاً تشویق مردم به شرکت در انتخابات است.
- ۲- انتخاباتی می‌تواند امید به حل مشکلات را زیاد کند که رویکرد اصلی آن..... باشد.
 - الف) تداوم وضع موجود (ب) تغییر وضع موجود (ج) پول‌پاشی و رقیب‌هراسی (د) دروغ‌پردازی
- ۳- سپاه در قبال انتخابات.....
 - الف) باید بی‌تفاوت باشد. (ب) مانند یک حزب سیاسی عمل می‌کند.
 - ج) مجاز به ورود مصداقی است. (د) با هدف تحقق انتخاباتی با مشارکت بالا و با رویکرد صیانت از هویت سازمانی خود، از ورود مصداقی اجتناب می‌کند.

۴- دولت جوان حزب الهی

- الف) در بزنگاه‌ها به جای بهانه‌تراشی، از تمام ظرفیت‌های کشور استفاده می‌کند .
 ب) ولایت‌مدار، جهادی، چابک، چالاک و کارآمد است.
 ج) در این دولت لازم نیست که حتماً شخص رئیس جمهور جوان باشد.
 د) همه موارد

۵- روی کار آمدن یک دولت انقلابی.....

- الف) تهدیدزا است. ب) می‌تواند سایه تهدید را بیش از پیش از سر کشور کم کند.
 ج) باعث جنگ می‌شود. د) هیچ تمایلی به مذاکره نخواهد داشت.

۶- در مورد آقای احمدی‌نژاد کدام گزینه صحیح است؟

- الف) بزرگترین انحراف وی در فاصله گرفتن از ولایت، استحاله فکری و سازش با دشمنان است.
 ب) هنوز در دایره‌ی نیروهای انقلابی جای می‌گیرد.
 ج) او صف خود را از نیروهای انقلابی جدا نکرده و هنوز عدالت خواه و آرمان خواه است.
 د) چندان در حلقه جریان انحرافی گرفتار نیست.

۷- احمدی‌نژاد در صورت کاندیدا شدن در انتخابات و رد صلاحیت شدن، چگونه رفتار خواهد کرد؟

- الف) رأی و نظر شورای نگهبان را می‌پذیرد.
 ب) تلاش می‌کند با طرح اتهاماتی، به هزینه‌سازی برای نظام بپردازد.
 ج) تلاش می‌کند برنامه جریان انقلابی در انتخابات را برهم بزند.
 د) ب و ج

۸- اصلاح طلبان در انتخابات ۱۴۰۰.....

- الف) مجدداً بر تداوم برجام و مذاکره با غرب تأکید می‌کنند.
 ب) برگزاری انتخابات آزاد، پرهیز از مهندسی انتخابات و... را مطالبه می‌کنند.
 ج) درصدد ایجاد دوگانه‌سازی هستند.
 د) همه موارد

۹- انتخابات از چه طریقی می‌تواند منجر به حل مشکلات شود؟

- الف) با انتخاب اصلح ب) با رعایت اخلاق انتخاباتی
 ج) با مشارکت حداکثری مردم د) با مشارکت حداکثری و انتخاب اصلح

۱۰- سیاست غربی‌ها در قبال انتخابات ایران در مقطع کنونی چیست؟

- الف) کاهش مشارکت مردم
 ب) تأثیر بر نوع انتخاب مردم و جلوگیری از شکل‌گیری دولتی انقلابی
 ج) تلاش برای روی کار آمدن دولتی انقلابی د) تداوم تحریم و فشار حداکثری

۱۱- در مورد عبور از تحریم‌ها کدام گزینه صحیح است؟

- الف) برای علاج تحریم‌ها دو مسیر خنثی‌سازی و رفع تحریم‌ها وجود دارد.
 ب) مسیر خنثی‌سازی تحریم‌ها خوش‌عاقبت‌تر است.
 ج) رفع تحریم‌ها با آمدن و رفت کاخ سفیدنشینان شدنی نیست.
 د) همه موارد

۱۲- دو وظیفه عمده و اصلی ما در انتخابات چیست؟

- الف) مشارکت و انتخاب هر کدام از کاندیداها ب) مشارکت حداکثری و انتخاب اصلح
 ج) مشارکت آگاهانه و دعوت دیگران به آن د) هیچکدام

۱۳- شرکت در انتخابات.....

- الف) تکلیف است. (ب) حقی است که خداوند به انسان اعطا کرده است.
 ب) هم حق است و هم تکلیف (د) عدم شرکت در انتخابات، مستوجب عقاب اخروی نیست.

۱۴- دلایل دفاع اصلاح طلبان از مذاکره کدامند؟

- الف) مرعوب قدرت آمریکا هستند. (ب) سیاست‌های جمهوری اسلامی را عامل تنش می‌دانند.
 ج) حل مشکلات اقتصادی را به سیاست خارجی گره می‌زنند. (د) همه موارد

۱۵- از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) موجب خنثی‌سازی طراحی‌های دشمنان

انقلاب و تضمین امنیت ملی کشور می‌شود.

- الف) انتخابات (ب) مردم‌سالاری دینی
 ج) ولایت‌مداری مردم (د) مشارکت مردم در انتخابات

۱۶- گزینه اصلح طبق شاخص‌های اعلامی رهبر معظم انقلاب فردی است که.....

- الف) برای خدمت به مردم همیشه در میدان باشد.
 ب) مانند شهید سلیمانی انقلابی و جهادی باشد.
 ج) معتقد به اولویت استفاده از ظرفیت‌های داخلی باشد.
 د) همه موارد.

۱۷- نظارت شورای نگهبان بر انتخابات از نوع بوده؛ زیرا..... است.

- الف) استطلاعی - کفایت می‌کند.
 ب) استطلاعی - عاقلانه است.
 ب) استصوابی - تنها نظارت عقلایی است.
 د) استصوابی - لازمه روی کار آمدن دولتی مردمی است.

۱۸- کدام گزینه درباره اصول گرایان درست است؟

- الف) همواره از مذاکره واهمه دارند.
 ب) بر «ما می توانیم» و تقویت ساخت درونی قدرت تأکید دارند.
 ج) درصدد دوگانه سازی در انتخابات هستند.
 د) راه حل مشکلات کشور را در بیرون از مرزها می دانند.

۱۹- جمهوری اسلامی، نظامی است که در آن رکن اصلی تشکیل حکومت به حساب می آیند.

- الف) مردم سالار - مردم (ب) نخبه سالار - نخبگان
 ج) تکنوکرات - مردم (د) مردم سالار - نخبگان

۲۰- کدام گزینه درباره ی جریان های ساسی کشور صحیح است.

- الف) در سال های اخیر، اصول گرایان بهتر از اصلاح طلبان در مسیر همگرایی و ائتلاف حرکت کرده اند.
 ب) ضریب اجماع پذیری در اصول گرایان در سال های اخیر بیشتر از اصلاح طلبان بوده است.
 ج) اصلاح طلبان حرف شنوی بیشتری از بزرگان خود دارند.
 د) رحلت بزرگان اصول گرا در افزایش میل این جریان به وحدت تأثیر مثبت گذاشته است.